

نمی‌کنم.

اگر هم سفر شدن با استاد مخصوصاً در کوه و دشت نصیب‌تان شود تازه به ابعاد دیگر شخصیت ایشان پی می‌برید، به اندازه‌ی یک کارشناس ارشد زمین‌شناسی از سنگ‌ها و کانی‌ها و خواص آن‌ها و ... می‌دانند و چنان انسان غرق در صحبت‌های ایشان می‌شود که گویا از یک استاد زمین‌شناسی می‌آموزد و فیزیک‌دان بودن ایشان فراموش می‌شود.

فکر می‌کنم شاید تا اینجا هم اجازه نداشتیم از استاد و خاطراتم با ایشان بگویم. اما استاد مردی بزرگ است، ستودنی است، هرگز سخنی به‌گزارف نمی‌گوید. تلاش‌گری نمونه است، عالمی بی‌بدیل است، فردی صادق و انسانی پویاست. کارهای بزرگ استاد بر کسی پوشیده نیست و کم‌وبیش کسانی که استاد را می‌شناسند از آن‌ها خبر دارند. اما به نظر بنده جهات شخصیتی و علمی ایشان دست‌کم برای اینجانب هنوز به‌طور کامل شناخته‌شده نیست. از خداوند متعال برای ایشان عمری طولانی و پُرثمر آرزو مندیم. ✖

هخامنشیان و ارتباط آن با کلمه‌ی گاوآزنگ توضیح دادند که بنده با تمام علاقه‌مندی که به تاریخ داشتیم، برایم تازگی داشت و غرق در توضیحات ایشان بودم که ناگهان رعدوبرق و باران تند ما را مجبور به ترک محل کرد. در ماشین نشستیم و به سمت شهر حرکت کردیم.

در مسیر بنده به آمادگی ذهنی و اطلاعاتی که از تاریخ داشتند اشاره کردم و تعریف کردم. استاد با کمال فروتنی گفتند: «اصلاً این‌طور که می‌گویی نیست. من این مطالب را دیشب مطالعه کرده بودم و فقط اتفاقی صحبت از مطالبی به میان آمد که من آن‌ها را تازه خوانده بودم». و با لبخندی آرام و کوتاه، درسی از زندگی را به من آموخت که هرگز آن را فراموش

دکتر ثبوتی، مشوق دانشجویان

کمک ایشان به دنیای نجوم وارد شدم. دکتر ثبوتی، که خود بنیان‌گذار رصدخانه‌ی ابوریحان بیرونی بودند، امکان تردد به رصدخانه و استفاده از امکانات آن را برای من و جمعی از هم‌کلاسی‌های علاقه‌مند، از جمله دکتر سعداله نصیری و دکتر محمدرضا احمدی (که هم‌اکنون استاد یکی از دانشگاه‌های کانادا هستند)، را فراهم کردند و این امکان در رشد و استحکام علاقه‌مندی ما به نجوم خیلی تأثیرگذار بود.

زمانی را که نخستین عکس‌های نجومی را با دوربین اشمیت ۸ اینچی گرفتیم و آن‌ها را به دکتر ثبوتی نشان دادیم فراموش نمی‌کنم. استاد ثبوتی همواره مشوق دانشجویان برای انجام فعالیت‌های نجومی بودند و از فراهم کردن هرگونه امکانات برای انجام این کار دریغ نداشتند. فکر می‌کنم پس از انقلاب فرهنگی و بازگشایی دانشگاه بود که مبحث ساختار ستارگان را از کتاب راجر تیلر به ما درس دادند. بعدها من در مرکز نجوم دانشگاه ساسکس با راجر تیلر آشنا شدم (ایشان استاد راهنمای دوره‌ی دکترای من بودند). ✖

من در مهر سال ۱۳۵۷، یعنی چند ماه پیش از پیروزی انقلاب، به‌عنوان دانشجوی کارشناسی فیزیک وارد دانشگاه شیراز شدم و از همان زمان با دکتر ثبوتی آشنا شدم. اگرچه در ابتدا نزدیک شدن به ایشان برایم کاری سخت می‌نمود، پس از مدتی آشنایی حاصل شد و در همان دوران پرتلاطم به

دکتر نعمت‌اله ریاضی،
عضو هیئت علمی دانشگاه
شیراز و رئیس رصدخانه‌ی
ابوریحان بیرونی است.

